



خوبیاتِ حوری

مهدویت و انتظار



نوشتہ :

سید محمد حسینی حیدری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوید نور

مهدویت و انتظار

نوشتہ:

سید محمد حسینی حیدری



« نوید نور »

مهدویت و انتظار

تألیف / سید محمد حسینی حیدری

نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار / مهرماه ۱۳۸۴

شمارگان / ۵۰۰۰

چاپ / بهار

قیمت / ۲۰۰ تومان

ناشر / انتشارات سلسله

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کد پستی / ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳

صندوق پستی / ۱۴۸-۳۷۱۶۵

تلفن / ۷۷۳۰۷۱۷

فاکس / ۷۷۴۹۱۰۸

همراه / ۰۹۱۲ ۱۵۲ ۹۲۶۰

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E.Mail : [Selseleh_pub @ Hotmail.com](mailto:Selseleh_pub@Hotmail.com)

شابک / ۶-۱۴-۸۷۸۸-۹۶۴ ISBN: 964.8788.14.6

فهرست

- این تحفه ناچیز..... ۵
- یا فارس الحجاز، آدرکنی..... ۷
- پیش‌گفتار:..... ۷
- ۱۱۰ مدد..... ۹
- بشارت به آمدن مصلح..... ۱۰
- آیه پنجم سوره قصص:..... ۱۲
- امامت از آن مُستضعف..... ۱۶
- مستضعفین دوازده نفرند..... ۱۷
- امامت باطنیه و ظاهریه:..... ۱۷
- استضعاف..... ۱۹
- مستضعف، وارث زمین:..... ۲۲

۲۷ آیه ششم قصص:
۳۱ یقین به امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف»
۳۳ انتظار
۳۵ ماجرای حاج محمد علی فشندی
۳۷ گوشه‌ای از حالت منتظر
۳۸ صدقه منتظر (شیعیان) برای منتظر (امام زمان <small>علیه السلام</small>)
۳۹ در خاتمه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این تحفه ناچیز

به نیابت از استادم آیت الله، مدافع از
حریم ولایت، حاج آقا احمد فقیه امامی
«رضوان الله علیه»^(۱)، به آستان مقدس حضرت
فاطمه معصومه علیها السلام، عمه امام زمان علیه السلام اهدا
می‌گردد، وهي بنت الکریم والجرود

۱- از مشاهیر اصفهان، و مدافع از حریم ولایت، در ۱۰ جمادی الثانیة، ۱۴۱۴ هـ. ق رحلت کردند، و در امامزاده ابوالعباس علیه السلام - خوراسگان اصفهان - دفن شدند و وصیت کردند که جنازه‌اش را با ندای یا اباالفضل علیه السلام تشییع کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا فارس الحجاز، ادرکنی

□ پیش گفتار :

از حضرت مولی الکوثین، اَبی عبدالله الحسین علیه السلام پرسیدند: معرفت (شناخت) خداوند متعال چگونه حاصل می شود؟ فرمودند: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ، (۱) (معرفت خداوند یعنی) شناختن اهل هر زمانی، امام زمان شان را، همو که واجب است بر آنان پیروی و فرمانبرداری از او، با این بیان، روشن می شود که مهم ترین هدف هر انسانی در این روزگار شناختن امام زمانش - حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد، زیرا بی معرفت (شناخت) و انقیاد (فرمانبرداری) آن حضرت معرفت و انقیاد، حضرت باری تعالی میسر نمی شود. و باید مهم ترین دغدغه فکری و مشغولیت ذهنی جوانان امروز آشنایی با ولی نعمت شان و امام زمان شان باشد، متأسفانه در این زمینه

آن قدر کوتاهی و کم کاری دیده می شود، که به جرأت می توان گفت: از مرز قصور (کوتاهی غیر عمدی) به حد تقصیر (کوتاهی عمدی) رسیده است.

این جزوه، در اصل، گفتاری می باشد، که در جمع دوستان هیئت محبین المهدی علیه السلام - در تهران - نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۵ هـ. ق، ایراد شده است، که به نظر رسید، پیاده شود و آن گاه به زیور چاپ آراسته گردد، شاید قدمی مثبت - هر چند کوتاه - در راستای احیای فرهنگ مهدویت و انتظار باشد.

ناگفته نماند متن سخنرانی دستخوش تغییراتی گردید اعم از حذف پاره‌ای از مطالب و افزودن مطالبی دیگر، ولی سعی شد موضوع و حجم آن رعایت شود تا مطالعه آن مایه رنجش خاطر خواننده عزیز نگردد. به امید روزی که در سایه دولت بلند پایه او به بندگی خداوند سرافراز گردیم.

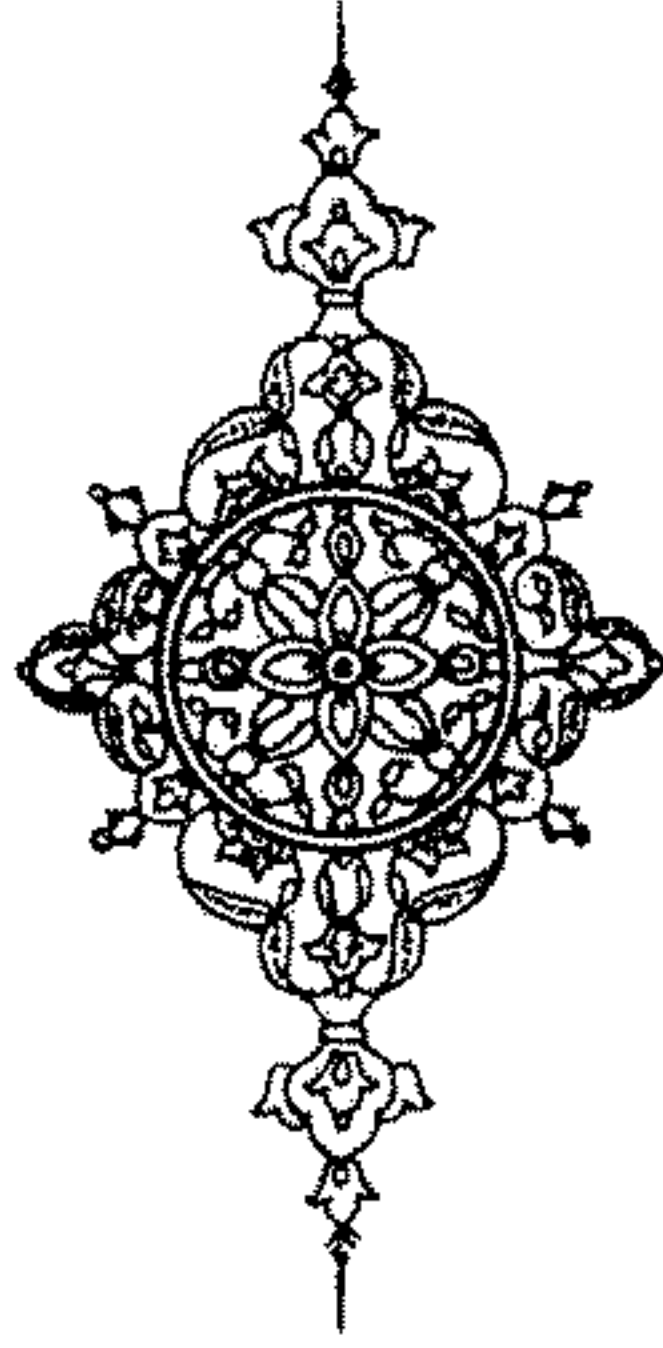
یا علی مدد

سید محمد حسینی حیدری

۲۲ رجب الخیر - ۱۴۲۶ هـ. ق

۶ شهریور ۱۳۸۴ هـ. ش

شهر مقدس قم



● ١٠١ مدد

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا أمير المؤمنين وأولاده
الأئمة المعصومين، ثم الصلاة والسلام على أشرف الأنبياء وخاتم المرسلين
حبيب إله العالمين، وأفضل السفراء المقربين، أبي القاسم المصطفى
محمد ﷺ، الصادق الأمين وعلى آله الطيبين الطاهرين، الهداة المهديين،
لا سيّما بقية الله في السماوات والأرضين، صاحب زماننا ووليّ أمرنا الحجة
المهيمن المنتظر المهدي -عجل الله تعالى فرجه الشريف- وروحي وأرواح
العالمين لتراب مقدّمه الفداء، ولعنة الله على أعدائهم ومنكري فضائلهم
وغاصبي حقوقهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين. آمين.

اللهم كن لوليك الحُجَّة بن الحسن صلواتك عليه وعلى آبائه، في هذه
الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً وقائداً وناصرأً ودليلاً وعيناً حتى تسكنه
أرضك طوعاً وتمتّعه فيها طويلاً برحمتك يا أرحم الراحمين. آمين.

● بشارت به آمدن مصلح

امروز روز مبارک و با میمنت نیمه شعبان می باشد، که ولادت امام زمان علیه السلام، پس از نماز صبح روز جمعه نیمه شعبان در سامرا (سُرَّ من رآ) واقع شد و خورشید بی مانند عالم، حضرت امام عصر، مهدی موعود علیه السلام، به عالم دنیا طلوع کردند.

نکته‌ای که باید به آن در آغاز سخن اشاره کرد، این است که تمام دانشمندان مکاتب الهی، نوید آمدن یک مصلحی را برای بشریت، داده‌اند، و همچنین بعضی از مکاتب فکری دنیا، با این تفاوت که اسم آن مصلح را معین نکرده‌اند، اسم‌های مختلفی برای او ذکر کرده‌اند، و دیگر این که غالباً گفته‌اند هنوز بدنیا نیامده است، برخی از مکاتب فکری، جامعه و مدینه فاضله را برای بشریت، ترسیم کرده‌اند، که باز در آن اشاره ضمنی به آمدن مصلحی برای بشر وجود دارد، فقط مکتب شیعه است که هم نام آن مصلح را مشخص کرده، و هم به دنیا آمدن او را بیان کرده است.

در قرآن کریم تقریباً ۱۲۰ آیه پیرامون امام زمان علیه السلام ذکر شده است، کتاب بسیار زیبایی نوشته شده است به نام *المحجة فیما نزل فی القائم*

الحجة، نوشته مرحوم علامه بحرانی صد و بیست آیه را پیرامون امام زمان علیه السلام، جمع کرده است حضرت آیت الله فقیه اهل بیت علیهم السلام حاج آقا صادق شیرازی «دام ظلّه» کتابی دارند به نام المهدی فی القرآن ۱۰۶ آیه از کتاب های مخالفین شیعه، نقل کرده اند که آنها گفته اند این آیات پیرامون امام زمان علیه السلام نازل شده است. یکی از این آیات، آیه ای می باشد که خیلی به گوشمان آشناست و غالباً در ایام نیمه شعبان خوانده می شود و استشهاد پیرامون امام زمان علیه السلام به این آیه شریفه می شود، ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (۱).

به این آیه استشهاد می کنند که زمین - روزی - از آن بندگان شایسته خداوند می گردد. و این وعده الهی می باشد که زمین میراث شایستگان می باشد. آیه دیگری در این رابطه در سوره مبارکه قصص، آیه پنجم و ششم آن سوره ذکر شده است که به این آیه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه (۲) استشهاد می فرمایند پیرامون امام زمان علیه السلام.

خداوند می فرمایند:

۱ - سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و ما در زبور داود، پس از تورات یا لوح محفوظ، نوشتیم (و وعده دادیم) که زمین را بندگان شایسته من وارث می شوند (و بر آن تسلط پیدا می کنند).

۲ - نهج البلاغه، حکمة ۲۰۹.

﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
 أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُفَعِّنَ لَهُمْ
 فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ
 مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾ (۱)

که ابتداءً آیه پنجم و بعد آیه ششم را بحث می‌کنیم.

● آیه پنجم سوره قصص :

این آیه مبارکه بسیار جالب و جاذب است. ابتدا باید ببینیم، مستضعف کیست؟ به ذهن می‌رسد، شخصی که ضعیف شده و او را اذیت کرده‌اند، و مورد آزار واقع شده است مستضعف می‌باشد همان گونه که در کتاب‌های لغت مستضعف را به کسی که: خار و مقهور داشته شد و ناتوان و ضعیف شمرده شد، معنی کرده‌اند.

مستکبر کیست؟ کسی که در قدرت می‌باشد و زور می‌گوید.

باید بدانیم که ما مستضعف نیستیم، چون ما هرگز قوی نبودیم تا ضعیف بشویم، مستضعف: یعنی کسی که قوی بوده است و اینک ضعیف شده مثلاً کسی که ثروتمند بوده و اکنون ثروتش را مصادره کرده‌اند و او

فقیر شده است و از این قدرتی که قبلاً داشته، اینک محروم گشته است .
 آیا ما قوی بودیم ، حال ضعیف شده‌ایم ؟ ثروتمند بودیم و اکنون فقیر
 شده‌ایم ؟ ! عزیز بودیم و بعد خار شدیم ؟ نه فقط ما ، بلکه همه بشریت
 مشمول این سخن می‌باشند ، که آنچه از ثروت و قدرت ، در اختیارشان
 است ، روزی وجود نداشته و بعد در نتیجه سعی و تلاش و یا عوامل دیگر
 به دست آمده است ، پس از اول قوی نبودند تا اگر از آن قدرت افتادند ، به
 آنها مستضعف (ضعیف شده) بگویند ، البته می‌توان به آنها مستضعف
 مجازی گفت ، ولی باید دید که مقصود خداوند از مستضعف در قرآن
 چیست ؟

روایت بسیار زیبایی از حضرت مولای ما امام صادق علیه السلام در کتاب
 شریف معانی الأخبار ، نوشته رئیس المحدثین ، شیخ صدوق رحمته الله (۱)
 می‌باشد ، ایشان می‌فرمایند : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ
 وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهم السلام فَبَكَى وَقَالَ : رَوْزَى پيامبر اکرم به امیرالمؤمنین و
 امام حسن و امام حسین عليهم السلام نگاه کردند و اشک ریختند ؛ و فرمودند : أَنْتُمْ
 الْمُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ .

۱ - ایشان به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمدند و مرقد شریف‌شان در شهر ری ، معروف
 به ابن بابویه ، می‌باشد . که دوستان امام زمان زیارت‌شان را غنیمت می‌شمارند .

یعنی شما سه نور الهی، مستضعف در زمین هستید. اینها در زمین مورد استضعاف یعنی دچار ستم و خاری واقع شده‌اند، اینان در اوج قدرت هستند، تمام عالم در دست با کفایتشان می‌باشد. هیچ نیازی به هیچ مخلوقی ندارند، حکومت بر عالم می‌کنند، ولی در یک قسمت از حکومت‌شان به مردم اختیار می‌دهند، می‌گویند: مردم؛ آیا ما را به عنوان حاکم فی الارض می‌پذیرید؟ می‌گویند: نه، ما شما را نمی‌پذیریم، و به علاوه این که بر شما ظلم و ستم می‌کنیم. این بزرگواران مستضعفین هستند.

(دقت کنید در کلمه *فی الارض* در آیه شریفه) این استضعاف در زمین است و در قسمتی از زمان، که بعد آن هم از بین می‌رود و به جای آن *ونجعلهم الوارثین* ذکر می‌شود.

در تفسیر اطیب البیان ذیل همین آیه شریفه، می‌فرماید: الذین استضعفوا، ائمه اطهار از امیرالمؤمنین تا حضرت عسکری علیه السلام و به ظهور حضرت بقیه الله و رجعت ائمه طاهرین علیهم السلام (تأویل می‌شود) مصداق *ونمکن لهم فی الارض*، که مشارق و مغارب زمین در تحت سیطره آنها واقع می‌شود. (۱)

راوی این سخن زیبا و نورانی مفضل بن عمرو می باشد، که مردی بسیار زیرک و نورانی بوده است، وی از شاگردان خوب و ممتاز حضرت مولای ما، امام صادق علیه السلام می باشد.

ایشان از حضرت امام صادق علیه السلام می پرسد که آقا جان! یعنی چه این بزرگواران مستضعف می باشند؛ استضعاف در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام به چه معنایی می باشد؟!

استضعاف در مورد حضرت امام مجتبی، کریم آل طاهرا علیهم السلام، به چه معنایی می باشد؟

استضعاف در مورد حضرت امام حسین علیه السلام به چه معنایی می باشد؟
حضرت صادق علیه السلام در جواب فرمودند: قال:

معناه انکم الأئمة بعدی. معنای سخن پیامبر، این است که شما امامان پس از من می باشید، إن الله عز وجل يقول: خداوند متعال می گوید:

﴿ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ

نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾ . ما اراده کرده ایم که لطف

و منت بگذاریم بر کسانی که در زمین مستضعف شده اند

(ضعیف و خار شده اند پس از آن که عزیز بودند) و آنها را

پیشوایان بشریت و وارثان زمین قرار دهیم.

فهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة؛ و این آیه تأویلش در ما (ائمه پس از سید الشهداء عليه السلام) جاری است تا روز قیامت (۱).

امام صادق عليه السلام ، در پاسخ به مفضل اشاره به نکته بسیار ظریف و جالبی می‌کنند، که باید هر مسلمانی پس از شنیدن سخن پیامبر که به امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین عليهم السلام فرمودند: شما مستضعفین (ضعیف شدگان) پس از من هستید، به سراغ این آیه ﴿ونريدُ...﴾ برود و ببیند که در این آیه خداوند به مستضعفین چه نویدی داده است، و حضرت به دو نکته آن اشاره می‌کنند؛

● امامت از آن مُستضعف

اول این که خداوند متعال مستضعفین را نوید امامت داده است و فرموده آنها امام هستند، و غیر آنان امام نیستند، زیرا که مستضعف

۱- متن کامل حدیث را برای استفاده بیشتر پژوهشگران محترم ذکر می‌کنیم:

معاني الأخبار بسنده إلى الإمام الصادق عليه السلام :

ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ، نظر إلى عليّ والحسن والحسين عليهم السلام ، فبكي وقال: أنتم المستضعفون بعدى، قال المفضل: فقلتُ له: ما معنى ذلك يا بن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ؟ قال: معناه، أنكم الأئمة بعدى، إن الله عزوجل يقول: ونريد أن نمنَّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين، فهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة. معاني الأخبار ص ۷۸، ج ۱.

نیستند. و کلمهٔ امامت خود یک دنیا سخن می‌طلبد تا قدری واضح بشود و بدانیم که مهم‌ترین مقام در عالم هستی می‌باشد، همین بس در عظمت آن: که بزرگ‌ترین پیامبر الهی پس از حضرت حبیب الله ﷺ، ابراهیم خلیل الله ﷺ می‌باشند، و او چون به مقام خلیل الله رسید، خداوند به او لطف و منت گذاشت و او را امام قرار داد، یعنی مقامی که از مقام خلت بالاتر است.

● مستضعفین دوازده نفرند

دوم این که حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: این امامت پس از آن سه امام جاری است در ما (اشاره به نه امام بعد، تا روز قیامت) یعنی زمین تا روز قیامت از امام خالی نمی‌ماند و هر کدام از ائمه علیهم السلام، به صفت مستضعف، متصف هستند.



دو نکتهٔ دیگر باقی می‌ماند که باید به آن اشاره کنیم تا مطلب استضعاف روشن بشود و هر دو به هم کاملاً ربط دارند، و از نکتهٔ اول، نکتهٔ دوم روشن می‌شود، و هر دو نکته در آیهٔ شریفه و کلام امام علیه السلام است.

● امامت باطنیه و ظاهریه :

۱ - امام، امامتش دو جنبه دارد، یکی باطنی و دیگری ظاهری، از جهت باطنی او امام است و نصب او به مقام امامت بدست خدای متعال است و احدی در آن دخالت ندارد، مقام امامت کسبی نیست (یعنی کسی نمی تواند با سعی و تلاش و ریاضت کشیدن و درس خواندن و کسب علم به آن برسد). بلکه منت الهی می باشد که در نجعلهم أئمة (ما [خداوند] آنها را امام قرار می دهیم) کاملاً آشکار است، ولی جنبه ظاهری امامت، اعلان آن به بشریت است و بیعت آنان با او، و زیر بار فرامین او رفتن که به آن انقیاد می گویند. که این دو جنبه را در مورد حضرت امیر عالم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام به وضوح می بینیم، که او در باطن و خفا امام بود ولی در کنار نور رسالت، امام صامت بودند یعنی: به وظایف امامت با وجود امام قبلی که پیغمبر باشند، قیام نمی کردند؛ و امامت او از طرف حضرت باری تعالی در تمام عوالم قبل بیان شده بود، اما بیان امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در عالم دنیا و ظاهر، روز عید سعید و شریف غدیر خم، که عید الله اکبر است (این امامت باطنیه) برای مردم اعلان شد و آنان با او بیعت کردند، که این همان جنبه ظاهری امامت است که امام باید امامت

کند، و در این جا پی به معنای کلمه مستضعف در آیه شریفه می‌بریم، که آنها ضعیف شدند؛ در این مرحله ظاهری، مظلوم واقع شدند و به آنها ستم روا داشتند، و نااهلان و بی‌خردان حق امامت آنها را غصب کردند، امیرالمؤمنین علیه السلام مستضعف می‌شود، یعنی در خانه او که او در شهر علم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی در شهر علم خداوند است، را به آتش می‌کشند، و او را دست بسته، سر برهنه به سوی مسجد می‌برند، و همسرش (که ناموس خداست) را بین دیوار و در آن چنان فشار می‌دهند که جنینش (محسن علیه السلام) سقط می‌شود! در حالی که او در امامت باطنی، ید الله است که فوق آیدیه‌م می‌باشد، ولی در امامت ظاهری یهودی به حال او رقت می‌کند و این اوج استضعاف است.

● استضعاف

به جای آن که مردم پای منبر کسی که زبان خدا در زمین (لسان الله) و قرآن ناطق است بنشینند و از او تفسیر قرآن، معانی قرآن، اسرار قرآن، و رموز و اشارات قرآن را بیاموزند، پای منبر بوزینه‌ای چون اولی و دومی و یا یهودی‌زاده‌ای چون کعب الأحبار می‌نشینند و تفسیر قرآن گوش فرا می‌دهند به راستی که به این می‌گویند استضعاف.

استضعاف از این بالاتر که همسرش را، پسرش را بکشند و او نتواند به خونخواهی همسرش و پسرش، قاتلان آنان را محاکمه کند و قصاص نماید. استضعاف از این بالاتر که در شورایی بسیار عجیب و مسخره برای تعیین جانشین پیامبر ﷺ (که گرد آمدگان آن شورا همه رعایای او بودند) به او شرط کنند که در صورتی حکومت و خلافت که از آن توست در حقیقت (در جنبه باطنی) از آن تو می شود (در جنبه ظاهری) که به کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره قاتلان همسرت و پسرت عمل کنی و گرنه، نه. و او هم گفت: نه. ای به قربان آن کلمه ایی (نه) که مولایم گفت و ۱۲ سال دیگر به ۱۳ سال خانه نشینی و استضعافش افزوده شد تا ۲۵ سال شود (ربع قرن).

استضعاف از این روشن تر و جگر سوزتر، که داناترین فرد در امت پیامبر ﷺ، زاهدترین فرد، عابدترین فرد، شجاعترین فرد، و هزار و یک فضیلت که هر کدام در نوع خود بی نظیر است، اگر بخواهد در بین امت آن پیامبر ﷺ جایی پیدا کند (چهارمی) از آن اوست!

و دیگر از امامان بعد و استضعافشان چه بگویم!؟

استضعاف یعنی: در شهر پدر بزرگت نگذارند جنازه ات در کنار او دفن

شود و پیکر پاکت را مدعیان دوستی با پدر بزرگت تیرباران کنند.

استضعاف یعنی: در کنار کعبه، در آن خانهٔ آمن الهی بخواهند با شمشیر قطعه قطعه‌ات کنند تا، تو مجبور شوی به سوی عراق کوچ کنی! (۱)

استضعاف یعنی: کسانی که تو را دعوت کرده‌اند و به امامت خوانده‌اند به جای مهمانداری شمشیر به رویت بکشند و تن بچه‌های صغیر و کودکان عزیزت را بلرزانند و اشک ترس را در چشمانشان بنگری!

استضعاف یعنی: آب زلال و گوارایی - که مهریهٔ مادرت باشد - را از تو دریغ کنند و صدای نالهٔ تشنگی زن و بچه‌ات را بشنوی و نتوانی برایشان آب فراهم کنی و چون بچهٔ شیرخوارها را روی دست بگیری که شاید رحم کنند، او را به تیر بزنند که فواره زدن خون گلوی او را هم تو، و هم ملائکه و هم دشمن خونخوار تماشا کنید، تو با حیرت، و ملائکه با گریه، و دشمن، با خنده، ای وای!

استضعاف یعنی فریاد و غربت‌آه و هل من ناصر.

استضعاف یعنی بدنی پاره‌پاره و باز به آن اکتفا نکردن که آن را

زیر سم ستوران ...

استضعاف یعنی سری بالای نیزه از این شهر به آن شهر گرداندن و

۱ - اشاره به دستور یزید علیه اللعنة، به سی نفر از دژخیمان، که شمشیر زیر احرامشان

ببندند و امام حسین علیه السلام را کنار کعبه، شهید کنند!

خلاق احمق به نظاره نشستن! سر کیست؟ پسر پیغمبر!

استضعاف یعنی زین العابدین علیه السلام و مجلس یزید لعنة الله عليه

استضعاف یعنی باقر العلوم علیه السلام و مجلس هشام لعنة الله عليه

استضعاف یعنی امام صادق علیه السلام و مجلس منصور دوانقی لعنة الله عليه

استضعاف یعنی موسی بن جعفر علیه السلام و زندان هارون لعنة الله عليه

استضعاف یعنی علی بن موسی علیه السلام و ولايتعهدی مأمون لعنة الله عليه

استضعاف یعنی امام جواد علیه السلام و مجلس معتصم لعنة الله عليه

استضعاف یعنی امام هادی علیه السلام و سفره شراب متوکل لعنة الله عليه

استضعاف یعنی امام عسکری علیه السلام و در بیشه شیران درنده رفتن

استضعاف یعنی امام زمان علیه السلام و در پس پرده غیبت نشستن

او باید نماز جمعه و عید را اقامه کند ولی می‌نگریم در کنار کعبه

راهزنان وحشی، اقامه جمعه و جماعت می‌کنند!

و آن میر صدر محفل، در خانه جا ندارد.

او کسی است که عالمیان به میمنتش روزی می‌خورند و به برکت

وجود نازنینش جهان پایداری می‌کند، ولی او پرده‌داری!

دشمنان به خونس تشنه و دوستان از فراقش پژمرده و یاران از دوریش

افسرده، اللهم عجل لولیک الفرج.

● مستضعف، وارث زمین :

۲- این مستضعفین، وارثان زمین می‌باشند، و نجعلهم الوارثین آنها را - به عبارت دیگر - حاکمان (فرمانروایان) زمین قرار می‌دهیم، چون وارث چیزی بودن یعنی: دست او در تصرف آن چیز باز است و وارث زمین یعنی: کسی که زمین در تصرف اوست، در حقیقت او بر زمین حکومت می‌کند.

و در این جا خداوند نوید حکومت این مستضعفان (آل پیامبر ﷺ) را به دوستداران شان و همه بشریت داده است، و برای آن که آنها مطمئن شوند، و تردیدی به دل راه ندهند، می‌فرماید و نجعلهم ما آنان را میراث‌دار زمین قرار می‌دهیم، اراده ما (به عنوان خالق عالم و ممکنات و تقدیرکننده برنامه‌های آن) تعلق گرفته است تا آنان (مستضعفان) وارثان زمین باشند و در زمین دولت‌شان تا قیامت ادامه پیدا کند، که این ادامه پیدا کردن آن حکومت تا روز قیامت، در کلام امام صادق علیه السلام که فرمودند: فهذه الآية جارية فينا إلى يوم القيامة، این آیه در ما (اهل بیت علیهم السلام) جاریست تا روز قیامت - کاملاً مشهود می‌باشد.

در نتیجه ما به عنوان دوستداران آن مستضعفان و به ستوه آمده از

حکومت مستکبران، باید منتظر آن روز باشیم، زیرا که وعده، انتظار را در پی دارد، و هرچه وعده دهنده بر انجام وعده‌اش و وفا به عهدش، مقتدرتر باشد، انتظار شدیدتر و پررنگ و امیدتر می‌شود.

فارتقبوا اینی معکم من المرتقبین.

پس خلاصه سخن این است که این نورهای الهی، حضرات امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام، و ۹ امام پس از امام حسین علیه‌السلام مستضعف هستند، زیرا که امام هستند (قدرت عالم در دست با کفایت آنان می‌باشد)، ولی به خاطر یک عنده ظالم مستکبر، امامت‌شان را آشکار نکردند و یک عده کمی از نور امامت آنها استفاده کردند و عظمت آنها را دیدند.

یکی از دوستان، از همین شهر تهران، رفته بود، در سفری تجارتي به کشور چین، تا در نمایشگاه مهمی در آن کشور شرکت کند، و این نمایشگاه هر سالی، دوبار تشکیل می‌شود که بازرگانان دنیا از آن دیدن می‌کنند، و چون سفر اول این دوست بود، به نکته‌های جالبی اشاره می‌کرد، می‌گفت: چین، خیلی عظمت و رونق اقتصادی پیدا کرده است، تمام ملت مشغول کار و تلاش هستند.

در این جا از مقاله‌ای یادم آمد که آن را یکی از دوستان از مجله معتبری

که در غرب چاپ می‌شود^(۱) نقل می‌کرد، نوشته بود در آینده، در دنیا به سوی چه قدرتی می‌توان رفت و بر آن تکیه کرد و در آن مقاله ۳ قدرت را معرفی می‌کند، قدرت اول اروپا و بعد به قدرت اروپا ایراد می‌گیرد، که درست است اروپای واحد، خیلی مقتدر است ولی آنان خیلی اختلاف دارند و بخاطر ملل و اقوام مختلفی که دارند با هم نمی‌توانند متحد بمانند و بر دنیا حکومت کنند. مثلاً همین بودن تفکر نازیسم در اروپا. این خطری است که نباید نادیده گرفته شود و قدرت دوم چین را معرفی می‌کند و بعد ایراداتی به چین وارد می‌کند، و در آخر می‌گوید قدرت سوم اسلام است که می‌تواند بعنوان قدرت در دنیا حکومت کند، ولی می‌گوید این دین یک نقص دارد و آن این است که اسلام یک قانون برای حکومت جهانی ندارد، ایده‌ای برای اداره جهان ندارد (البته این دیدگاه نویسنده آن مقاله است و گرنه اسلام برنامه‌های جهانی بودنش را در همین کتاب آسمانیش - قرآن - تدوین کرده است).

برمی‌گردیم به سخنی که می‌خواستم از آن دوستی که به چین سفر کرده بود نقل کنم:

این دوست می‌گفت: وقتی که به چین رفتم و این عظمت و انضباط و

۱ - مجله FP (foreign policy) النسخة العربية.

نظم‌کاری را در آن دیدم و مردمی که مهربان و سخت‌کوش هستند و این جمعیت میلیاردها را دارند، یک لحظه تأسّف خوردم که حیف و صد حیف آنان اهل بیت و امام زمان علیه السلام را نمی‌شناسند و از فیض معرفت ولی عصر علیه السلام محروم هستند، و در این فرصتی که در دنیا دارند از وقت تکلیف، چهل سال پنجاه سال، کمتر یا بیشتر (فرصتی که یکبار بیشتر تکرار نمی‌شود) از آشنایی و بعد فرمان‌پذیری امام زمان که در نتیجه بندگی خداوند است، محروم هستند، و البته این تأسّف برای کل مردم دنیاست، چه آنان که امام زمان را می‌شناسند و چه آنان که نمی‌شناسند، آنان که نمی‌شناسند واقعاً محرومند و مغبون (در زندگی زیان دیده‌اند و سود واقعی زندگی که بندگی خداوند باشد را از دست داده‌اند) و آنان که می‌شناسند در حسرت ایام دولتش و خدمت به آستانش می‌سوزند و می‌سازند. پس اینها مستضعفند، چون مردم زمین (دنیای امروز و این امروز استمراری، از زمان پیامبر است تا الآن و آینده، و وقت ظهور) آنها را نمی‌شناسند و امامت آنها را ندیده‌اند و امام بودن آنها را نشنیده‌اند در حالی که آنان فرمانروایان زمین هستند و اهل آن نباید از کسی جز آنان فرمانبرداری کنند و نباید روی زمین جز آنها کسی حکومت کند. این *ونجعلهم أئمه*، آنها را قرار می‌دهیم *أئمه*، (پیشوایان) نه این که آنها اکنون

امام نیستند، امام هستند ولی امامت ظاهریه آنها در آینده این زمین است، آنگاه آنها را امام قرار می‌دهیم و آنان امامت می‌کنند، امیرالمؤمنین علیه السلام در آن روز امامت می‌کند، آن آقا و مولائی که می‌فرمود: لا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعَ،^(۱) کسی که از او امرش اطاعت نکنند رأی او و سخن او ارزش و بهایی ندارد، امامی که حرفش و رأیش را نشنوند، امام (به امامت ظاهریه) نیست، هنگامی که من (علی علیه السلام) سخن می‌گویم و مقابل سخن من دلیل و برهان می‌آورید تا سخن مرا باطل کنید، این امامت و فرمانروایی نیست، صبر کنید تا روز حکومت ما برسد، آنگاه امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌بینید.

قرآن کتاب اسرار و رمزهاست، و آیاتش را کنار یکدیگر که بچینی بعضی از آیات روشن می‌شود، آیه‌ای که اول سخن قرائت کردم و به آن سخن را آغاز نمودم، اگر کنار این آیه شریفه قرار بگیرد، مکملی برای این آیه می‌شود و توضیح بیشتری،

﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾^(۲)

۱- نهج البلاغه، ۱ / ۷۰، خ ۲۷.

۲- انبیاء، ۱۰۵، ما در زبور داوود، پس از تورات، یا لوح محفوظ نوشتیم (و وعده دادیم) که زمین از آن خوبان و رستگاران می‌باشد و آنان میراث‌دار زمین هستند.

که خداوند میراث‌دار زمین را بندگان صالح و شایسته خود می‌داند، نه کسانی که ظالم و ناشایسته هستند.

● آیه ششم قصص :

ادامه آیه شریفه سوره قصص، آیه ششم آن را عرض می‌کنیم که در اول سخن گفتیم که آن را بعداً مورد بحث قرار می‌دهیم، می‌فرمایند:

﴿ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ

وَجُنُودَهُمَا مِمَّنْ هُمْ أَكْثَرُونَ ﴾ ؛ و برای آن

مستضعفین، زمین را مسخر می‌کنیم و آنها را بر آن مسلط

می‌کنیم (تمکین باشند) و بنمایانیم فرعون و هامان و

لشکریان‌شان را از آن مستضعفین آنچه که از آن در ترس و

واهمه بودند. (از تسلط آنها بر زمین می‌ترسیدند، آن‌گاه

نشان‌شان می‌دهیم روزگار حکومت مستضعفین را.

شاید بتوان گفت در کلمه ونمکن که زمین تمکین می‌دهد، یعنی زمین و

اهل آن، کلمه تمکین اشاره به این باشد که حکومت آنها، جبری و قسری

نیست یعنی همان گونه که زمین در اختیارشان می‌باشد، اهل آن هم با

رغبت و علاقمندی، در حکومت آنها شریک می‌شوند، در کلام عرفی چه عربی و فارسی می‌گوییم:

تمکین کرد، یعنی زیر بار رفت و پذیرفت، اما نه به زور؛ بلکه با رغبت ﴿و نری فرعون وهامان وجنودهما﴾ به فرعون وهامان و لشکریان شان نشان می‌دهیم ﴿منهم ما كانوا يحذرون﴾ از آن مستضعفین آنچه را که از آن می‌ترسیدند.

شخصی به نام شیبانی از علمای مخالف شیعه تفسیری دارد به نام کشف البیان^(۱) می‌گوید روایت شده از امام باقر و امام صادق علیهما السلام به اصحاب‌شان فرمودند: فرعون و هامان در این آیه دو نفر از جبابره و طاغوت‌های قریش هستند، که اینها کاری کردند تا حکومت ائمه اطهار علیهم السلام در زمین مستقر نگردد، (یعنی خداوند از آن دو در قرآن به فرعون و هامان تعبیر کرده است) و خداوند آنها را هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام زنده می‌کند تا از آنها انتقام گرفته شود.

مرحوم آیت الله سید عبدالحسین طیب در *أطيب البیان*^(۲) فی تفسیر القرآن جلد ۱۰ ص ۲۰۶ ذیل این دو آیه شریفه می‌فرمایند:

۱ - که علامه بزرگوار سید هاشم بحرانی رضوان الله علیه، در تفسیر گران قدر البرهان، ج ۷، ص ۳۲۳ از او نقل می‌کند.

۲ - این تفسیر به امر امام زمان علیه السلام نوشته شده است و مطالعه آن را دوستان آن حضرت، مغتنم بشمارند.

« تنبیه : نظر به این که خبر از رسول محترم است که آنچه در اسم سابقه واقع شده در امت من هم واقع می شود طابق النعل بالنعل والقذة بالقذة اخبار بسیار داریم ، بسیار مفصل و مبسوط که فرعون و هامان شیخین هستند که تعبیر به رَجُلین من قریش فرموده ، و اسامی آنها را ذکر فرموده است برای تقیه و جنود آنها ، (لشکریان آنها) اتباع آنها هستند تا زمان ظهور حضرت بقیة الله . » در این جا حدیث جالبی از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل می کنم : فرمودند : بخدا قسم ائمة اطهار و شیعیان شان همچون موسی علیه السلام و پیروانش هستند ، و دشمنان ما و پیروان شان همچون فرعون و پیروانش می باشند . (۱)

آیات قبل از این دو آیه پنجم و ششم ، در مورد بنی اسرائیل صحبت می کند و ماجرای حضرت موسی علیه السلام می باشد ، و این که چگونه او با فرعون و حزیش برای خداوند ، مبارزه کرد .

علی بن ابراهیم قمی (۲) می گوید : اگر قرار بود این ضمیر به موسی

۱ - قال زین العابدین علیه السلام والذي بعث محمداً صلی الله علیه و آله و سلم بالحق بشيراً ونذيراً، إن الأبرار منا أهل البيت وشيعتهم، بمنزلة موسى وشيعته، وإن عدونا وأشياعه بمنزلة فرعون وأشياعه، البرهان، ج ۱۰، ص ۳۲۰.

۲ - ایشان استاد شیخ کلینی مؤلف کتاب ارزشمند کافی هستند و تفسیری دارند که به نام شان معروف است و از گنجینه های شیعه می باشد.

برگردد، آیه باید این‌گونه می‌شد و نُری فرعون و هامان و جنودهما منه یعنی از او، (موسی) ما کانوا یحذرون، نه منهم که ضمیر جمع است در حالی که موسی فرد است. (۱) این اشاره است که آن مستضعفینی که ائمه علیهم‌السلام هستند بر زمین حکومت می‌کنند، و تمام تبار فرعون و هامان از زمین نابود می‌شوند. یعنی همهٔ پیروان فکری و عملی شیخ اول و دوّم، ان شاء الله تعالی.

امیدواریم که اگر در آن زمان نبودیم حضرت بقیة الله این لطف را در حق ما بفرمایند، و ما را برگردانند تا در رکاب‌شان، انتقام مظلومیت اهل بیت و حضرت زهرا علیها‌السلام را بگیریم. (آمین)

● یقین به امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

این‌جا نسبت به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء، باید دو مطلب را رعایت کنیم، یکی یقین نسبت به امام زمان علیه‌السلام داشته باشیم، ما حالت یقین در وجودمان نیست، یعنی چه؟ یعنی، اگر الآن بخواهم پایم را دراز بکنم و شخص محترمی نشسته باشد، این کار را انجام نمی‌دهم زیرا این کار را بی‌ادبی می‌دانم، یا در حضور جمع حاضر در این مجلس سخن و

۱- تأویل الآیات ۴۰۸، کنز الدقائق، ۱۰/۱۳.

لفظی به کار ببرم که شایسته نباشد، به من می‌گویند این شخص در حضور این جمع بی‌ادبی کرده است، چرا پایم را دراز نمی‌کنم؟ چرا لفظ زشت به کار نمی‌برم؟ چون یقین دارم که فرد محترمی نشسته، و یا افراد محترمی در مجلس محترمی حضور دارند، و دارند مرا می‌بینند، به این می‌گویند یقین. ما باید به امام زمان علیه السلام یقین قلبی داشته باشیم، یعنی باور داشته باشیم ما را می‌بینند و حاضر و ناظر بر اعمال ما می‌باشند و از تیات و ضمایر ما باخبرند، در این حد، باید یقین داشته باشیم، و ناگفته نماند که یقین ما با زیاد شدن معرفت ما به حضرت علیه السلام به تدریج زیاد می‌شود، تا به مرحله کمال برسد.

خود مسأله قیام (برخاستن و ایستادن) هنگام شنیدن نام قائم که از القاب حضرت است ادب ما و باور داشتن ما را نسبت به حضرت نشان می‌دهد. روایت جالبی هست که بیان می‌کند حضرت رضا علیه السلام برای این نام از جا بلند می‌شدند و دو دست بر سر می‌گذاشتند، در حالی که هنوز پدر امام زمان علیه السلام دنیا نیامده بودند، چه رسد به خود آن حضرت و روایت دیگری از امام صادق علیه السلام است که می‌فرمایند در زمان غیبت امام زمان علیه السلام کسی که لفظ قیام را شنید و از جا بلند شد و دست روی سر گذاشت، امام زمان برمی‌گردند و به او یک نگاهی می‌کنند که محبت

امام زمان علیه السلام به آن شخص است و به او لبخند می‌زنند، مناسب است، این روایت را کاملاً نقل کنم:

در الزام الناصب نقل می‌کند سئل الصادق علیه السلام عن سبب القيام عند ذکر لفظ القائم من القاب الحجة، از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا در هنگام بردن کلمه قائم، از القاب امام عصر علیه السلام بپا می‌خیزیم و احترام می‌کنیم؟ قال علیه السلام: لان له غيبة طولانية، زیرا برای او (امام زمان) غیبتی طولانی می‌باشد، و مِنْ شِدَّةِ الرَّأْفَةِ إِلَى أَحِبَّتِهِ و از شدت مهربانیش به دوستاندانش يَنْظُرُ إِلَى كُلِّ مَنْ يَذْكُرُهُ بِهَذَا الْقَلْبِ، نگاه می‌کند به هر کسی که او را به این لقب یاد می‌کند و صدا می‌زند، الْمُشْعِرِ بِذَوْلَتِهِ وَالْحَسْرَةِ بِغُرْبَتِهِ، این لقب را که دوستاندانش به کار می‌برند می‌خواهند یادآوری کنند دولت کریمه او را و از دوری او و فراق و تنهایی حضرتش اظهار حسرت می‌کنند. و مِنْ تَعْظِيمِهِ أَنْ يَقُومَ الْعَبْدُ الْخَاضِعُ لِصَاحِبِهِ عِنْدَ نَظَرِ الْمَوْلَى الْجَلِيلِ إِلَيْهِ بِعَيْنِهِ الشَّرِيفَةِ و از تعظیم کردن آن سرور این است: که آن بنده ذلیل در نزد اربابش از جای برخیزد هنگامی که اربابش با دیدگانی با عظمت به او نگاه می‌کند. فليقم وليطلب من الله جل ذكره تعجيل فرجه پس آن بنده ذلیل دل شکسته، برخیزد، و از خدای متعال تعجیل در فرج او را بخواهد. (۱)

۱- الزام الناصب ۱/۲۷۱ و فيه: سئل الصادق علیه السلام عن سبب القيام عند ذکر لفظ القائم من

● انتظار

مطلب دوم منتظر ظهور بودن، این انتظار کار بسیار مهمی می باشد، با ارزش ترین عبادت ما در دوران غیبت انتظار فرج است، نه انتظار لفظی، بلکه در هر لحظه منتظر باید باشیم تمام وجودمان منتظر آمدن آن حضرت باشد، که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

هر کس از شما در بستر خویش بمیرد و معرفت به خدا و پیامبر و اهل بیت داشته باشد، شهید از دنیا رفته است و اجر و پاداش او بر خداست و ثواب اعمال شایسته ای که می خواسته انجام دهد و نتوانسته است، را می برد، و نیتش (برای یاری امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - جانشین ضربات شمشیرش قرار می گیرد). (۱)

یکی از فقهای شیعه، فرزندش را چند سال ندیده بود، یکی از فرزندان آن فقیه می گفت: وقتی قرار شد برادرم برگردد و زنگ زدند مثلاً ساعتی

القاب الحجة، قال علیه السلام: لأن له غيبة طولانية، ومن شدة الرأفة إلى أحببته ينظر إلى كل من يذكره بهذا اللقب، المشعر بدولته والحسرة بغربته، ومن تعظيمه أن يقوم العبد الخاضع لصاحبه عند نظر المولى الجليل إليه بعينه الشريفة، فليقم وليطلب من الله جل ذكره تعجيل فرجه.

بعد می‌رسد، پدرم (آن فقیه) در راه روی منزل بنا کرد به قدم زدن، در آن لحظه او احساسی داشت که فقط یک پدر آن را درک می‌کند منتظر آمدن فرزندی می‌باشد که سال‌هاست او را ندیده است، آن پدر منتظر، رو کرد به من و گفت باید حالت انتظارت از این حالت شدیدتر باشد، اشتیاق به دیدار حضرت از این اشتیاق دیدار پدر به فرزندش بالاتر باشد.

یکی از علمای منتظر، آیت الله میرجهانی^(۱)، فرموده بودند که شب‌ها تا صبح بیدارم، خوابم نمی‌برد، چون در حالت انتظار به سر می‌برم و خواب به چشمم نمی‌آید.

خود امام زمان علیه السلام فرموده‌اند که امر فرج ناگهانی می‌باشد، روی این حساب کسی که معرفت و یقین داشته باشد، دائم در حالت انتظار بسر می‌برد و این انتظار، هر چه معرفت و یقین منتظر بالا باشد، شدیدتر است، که در مورد شخصی چون آیت الله میرجهانی خواب را از چشم می‌ریاید.

۱- آیت الله سید حسن طباطبائی میرجهانی از مفاخر شیعه، و نویسنده آشنا به درد تشیع بودند، در ۱۴۱۳ هـ. ق رحلت کردند و در مقبره علامه مجلسی دفن شدند، وصیت کردند، کتابی که درباره حضرت زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام نوشته‌اند به نام‌های الجنة العاصمة در احوالات حضرت فاطمه علیها السلام والبكاء للحسين علیه السلام را روی سینه‌اش قرار دهند.

● ماجرای حاج محمد علی فشندی ..

لازم است جریان حاج محمد علی فشندی تهرانی را نقل کنم تا قدری از گلایه‌های امام زمان علیه السلام باخبر شویم و شاید احساس شرمندگی در وجودمان پیدا شود، می‌گوید: در مسجد جمکران اعمال را انجام دادم و با همسرم بیرون می‌رفتم، متوجه شدم سید نورانی و با هیبتی داخل صحن مسجد جمکران شده‌اند و قصد دارند به طرف مسجد بروند، گفتم: این سید در هوای گرم تابستان قم، از راه رسیده و تشنه است، ثوابی بکنم و به او آب بدهم تا دعایی در حقم بکند، ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد، پس از آن که ظرف آب را پس داد، گفتم: آقا دعا کنید برای فرج امام زمان و از خدا بخواهید تا امر فرجش نزدیک گردد، فرمود: شیعیان ما به اندازه آب خوردنی، ما را نمی‌خواهند، اگر بخواهند، دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد. هنگامی که این جمله را فرمودند: یک لحظه دیگر ایشان را ندیدم، فهمیدم وجود اقدس امام عصر علیه السلام را زیارت کرده‌ام و حضرت از شیعیانی که در انتظار فرجش به سر نمی‌برند گلایه کرده‌اند. (۱)

وقتی که شما تشنه می‌شوید، در گرمای تابستان آب خنک و جگر خنک‌کن را طالب می‌شوید، در حالی که در بستر استراحت آرمیده‌ای

۱- شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ج ۱، ص ۱۵۵.

ابتدا فرزندت، یا عیالت را صدا می‌زنی که برایم آب بیاورید، اگر کسی نبود از جا بلند می‌شوی و بستر را رها می‌کنی و دنبال آب می‌روی، اگر توی خانه از اتفاق، آب نبود به کوچه و در خانه همسایه‌ها می‌روی که بی‌زحمت به من آب بدهید، در همین حد آیا تشنگی نبودن حضرت را درک کرده‌ای، و منتظر رسیدن آب گوارای وجود آن حضرت هستی، متی نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَةَ فَنَرَوِي، متی نَتَّقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدْيُ. (۱)

● گوشه‌ای از حالت منتظر

چند گونه گریه داریم، گریه برای دیگری پدر، مادر، دوست، گریه برای خود، در قرض، در مشکلات، گریه ترس، از شب اول قبر می‌ترسد و می‌گرید، از عذاب خدا گریه می‌کند. یا گریه درماندگی در بیابان گم شده است نمی‌داند چاره چیست؟

گریه می‌کند از بیچارگی یا گریه فراق و دوری از عزیزش، از دوستش. گریه گم کردن چیزی، شیء مهمی را از دست داده است گریه می‌کند، و گریه‌ای داریم که به آن گریه شوق می‌گویند، عمری برای رفتن به کربلا، انتظار کشیده است هنگامی که چشمش می‌افتد به گنبد و بارگاه امام

حسین علیه السلام چشمش پر از اشک می شود و گریه می کند. اینها گریه های مختلفی است که تفاوت شان به خاطر منشأهای شان می باشد، ولی از خودمان بپرسیم چقدر برای امام زمان علیه السلام در سال گریه شوق داریم، گریه انتظار، به شوق دیدارش اشک بریزیم و ناله سر دهیم. (در ماه و هفته و روز که حرفش را مزن).

این گریه شوق نتیجه باورمان و انتظارمان می باشد، یعنی به ایشان می گوئیم هم تو را باور کرده ایم (یقین) و هم نتیجه باورمان را که انتظار است، با اشک دیدگانمان به شما نشان می دهیم.

باید مقدم او را گرامی بداریم، و جایگاه قدم های نازنینش، که چشمان گنه کارمان می باشد، را با اشک شوق وصالش شستشو بدهیم، که پاک باشد و آماده.

آیت الله میرزا علی آقای شیرازی^(۱) از بزرگان علمای اصفهان، حالات معنوی خاصی داشت، هر صبح و عصر گوشه ایوان حجره اش در مدرسه صدر بازار، - اصفهان - می نشست و روضه می خواند و گریه می کرد، حتی اگر کسی نبود که پای روضه اش بنشیند و گریه کند، کسی از

۱ - مفسر نهج البلاغه و از اولیاء امیرالمؤمنین علیه السلام بودند در ۱۳۷۵ قمری رحلت کردند. وصیت کرده بود که ۴۰ سید کنار جنازه اش شهادت بدهند که او سادات (بچه های حضرت زهرا علیه السلام) را دوست داشته است. در مقبره شیخان قم دفن شدند.

او می پرسد این کار شما برای چیست؟ گفته بودند: نزدیکی های طلوع و غروب آفتاب، حضرت بقیة الله «أرواحنا فداء» می نشینند و بر غربت خود و مصائب جدّشان و مظلومیت شیعیان شان اشک می ریزند، و روضه امام حسین علیه السلام را می خوانند، و من می خواهم به ایشان در این کار تاسی کنم.

● صدقہ منتظر (شیعیان) برای منتظر (امام زمان علیه السلام)

آیا شده است که برای سلامتی امام زمان علیه السلام صدقه بدهی؟ شخصی می پرسید چه ثمره ای دارد، که برای سلامتی شان صدقه بدهیم و آن هم هر روز؟ گفتم: هر روز هزاران هزار، مسأله باعث رنجش خاطر حضرت و به درد آمدن قلب مبارک شان می شود، از بیگانگان و آشنایان، توطئه های دشمنان از یک جهت و غفلت ها و جهالت های دوستان از جهتی دیگر، مظلومیت تشیع از جانبی باعث ناراحتی آن قلب الهی می شود. هنگامی که آن صدقه را برای سلامتی حضرت، می دهی باعث می شود که آن ناراحتی ها کمتر بر حضرت فشار وارد کنند، و از جانب شما به حضرت کمتر صدمه وارد شود، و تسلائی دل آن حضرت می شود، که فلانی از دوستان و دوستاناران ما، به فکر ماست و برای سلامتی ما دعا می کند و صدقه می دهد.

نسبت به امام زمان علیه السلام ادب داشته باشیم و این صدقه دادن نوعی اظهار ادب است .

■ در خاتمه

از اهل منبری که معاصر علامه امینی رحمته الله بودند شنیدم: که ایشان فرموده بودند حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بین در و دیوار چند ناله زدند: ناله خطاب به پدرشان، که یا آبتاه، پدرجان بین با حبیبهات چگونه برخورد کرده‌اند؟!

و ناله خطاب به فضا که فضا مرا دریاب محسنم را کشتند .
و ناله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام که فاطمه‌ات را کشتند .
و ناله خطاب به حضرت مهدی علیه السلام ، که بیا فرزندم و انتقام مادر پهلو شکسته‌ات را بگیر!

نه شیعه فقط زار و خسته است

زهرا در انتظار ظهورت نشسته است

چون آمدی بهمره خود نیز دارویی

از بهر او بیار که پهلو شکسته است^(۱)

« یا علی مدد »